

رهیافت فرهنگ دینی

فصلنامه علمی تخصصی

سال دوم - شماره پنجم - بهار ۱۳۹۸

تأملی در نسب و شخصیت سیاسی و فرهنگی حضرت سید جلال‌الدین اشرف^(ع)

فاطمه معتمد لنگرودی^۱
فرشته معتمد لنگرودی^۲

چکیده

بررسی سیر زندگانی امامزادگان و اولاد منسوب به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و بازشناسی سیره آن بزرگواران از ضروریات جامعه اسلامی است که می‌تواند در جهت شناسایی سبک زندگی اسلامی آنان مؤثر واقع گردد و افزون بر این، تسهیلگر روند زندگی سعادت آفرین برای بشر باشد. در همین راستا، بررسی شرح حال حضرت سید جلال‌الدین اشرف از فرزندان منسوب به امام موسی کاظم (ع) و نیز شناسایی اقدامات سیاسی و فرهنگی، فضایل و مناقب ایشان، راهگشای مؤثری در به دست آوردن الگوی جامع و سعادت‌مند زندگی بشری باشد. در این مقاله، سعی بر این است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، منابع روایی و تاریخی درباره سید جلال‌الدین اشرف مورد پژوهش قرار گرفته تا گوشه‌هایی از زندگانی ایشان تبیین شود. دستاورد حاصل از پژوهش، بیانگر آن است که سید جلال‌الدین اشرف از ذریه پاک پیامبر اکرم (ص)، در پی احقاق حق با ظالمان به مبارزه برخاست و پس از مبارزه با آنان در این مسیر به درجه رفیع شهادت نائل آمد؛ همچنین فضایل و مناقب ایشان گویای عظمت و جلالت وی در نزد بزرگان دین است؛ کما اینکه بسیاری از شیعیان در سایبان حریم ایشان آرام گرفته و عرض حاجت می‌نمایند.

کلید واژه: سید جلال‌الدین اشرف، امام موسی کاظم (ع)، آستانه اشرفیه، نسب، فضائل.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء (س)؛ مدرس و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی دانشگاه علوم پزشکی (نویسنده مسئول)
Email: flangarodi@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)؛

Email: f-motamad2011@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

انسان به‌طور فطری خواستار کمال و هدایت است و معصومان^(ع) به‌گواه حدیث ثقلین، همتای قرآن کریم، تالی‌تو پیامبر اکرم^(ص) و مایه‌هدایت انسان‌ها هستند و جامعه‌بشری باید در همه‌امور از این راهنمایان الهی پیروی و سیره‌آنان را به‌عنوان روشن‌ترین مسلک انتخاب کند و با عمل به آن‌ها، راه حق را بییابد. امامزادگان نیز به دلیل تربیت الهی و نوشیدن جرعه‌ادب و معرفت از سرچشمه‌هدایت، زندگانی بافضیلت و پر منقبتی داشته‌اند. اگرچه این بزرگواران به مقام امامت نرسیده و معصوم از خطا و گناه نبوده‌اند؛ ولی باتربیتی الهی، از گناهان دوری جسته و شبیه معصومان زندگی کرده‌اند. از این‌رو بررسی و تحقیق درباره‌زندگانی این بزرگواران و آشنایی با سیره‌رفتاری هریک از آنان می‌تواند ما را در دستیابی به الگویی همه‌جانبه یاری کرده و از سایر فرهنگ‌ها و الگوهای ناقص، بی‌نیاز نماید.

سید جلال‌الدین اشرف نیز یکی از امامزادگان صاحب جلال و منقبت است که در کشور ایران و در منطقه‌آستانه اشرفیه استان گیلان مدفون شده است و این مسئله ضرورت پرداختن به زندگانی و بررسی فضائل و مناقبشان را فراهم ساخته است؛ ولی با توجه به کمبود منابع تاریخی و متون، تبیین همه‌ابعاد زندگی و شخصیت ایشان ممکن نیست. درخصوص نسب و شجره‌نامه بقعه سیدجلال‌الدین اشرف باید گفت که با توجه به اشاره منابع موجود، نسب دقیق شخص مدفون در بقعه آقا سیدجلال‌الدین اشرف مشخص نیست؛ لیکن می‌توان گفت احتمالاً از پیروان زیدیه، علویان و سادات محلی بودند که به این دیار مهاجرت کردند یا درگیری‌ها به شهادت رسیدند یا زندگی آرامی را پشت سر گذاشته و پس از عمری ارشاد خلق به مرگ طبیعی بدرد حیات گفته‌اند. بنابراین از روی شواهد و قرائن موجود از جمله شکل‌گیری نهضت علویان در خطه شمال و راهبرد تهاجمی آنها در برخورد با خلفای اموی و عباسی، اغلب آنها از دودمان علوی هستند. به نظر می‌رسد به علت کمبود منابع، بحث دقیق درباره‌نسب سیدجلال‌الدین اشرف راه به جایی نمی‌برد؛ بلکه بر شبهات ما می‌افزاید. البته پیدا نشدن شجره‌نامه و نسب‌نامه صحیح و مستند، دلیل بر نبود آن نیست و امکان دارد در بزنگاه‌های مختلف تاریخی، برخی از این شواهد از بین رفته باشد(خلعتبری لیمای، ۱۳۹۲: ۱۵۳ و ۱۵۴). بنابراین با این نگاه در پی پاسخگویی به سؤالات زیر هستیم.

پرسش‌های پژوهش: در این بررسی به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. نسب سید جلال‌الدین اشرف با توجه به کتب انساب و تاریخی به چه کسی می‌رسد؟
۲. اقدامات ایشان در بدو ورود به گیلان چه بوده است؟
۳. فضائل و مناقب سید جلال‌الدین اشرف کدام است؟

ضرورت انجام پژوهش: ضرورت این تحقیق از آنجا نشأت می‌گیرد که وجود بقاع متبرکه در جای‌جای ایران

اسلامی، مأمنی مناسب جهت کسب امنیت و آرامش روحی و روانی، درمان آلام جسمی، توسل و اظهار ارادت و محبت به مقام شامخ اهل بیت منتسب به خاندان رسول الله^(ص) بوده و از این رو شناخت نسب و سیر زندگانی این افراد در برقراری بهتر ارتباط روحی با خاندان اهل بیت^(ع) به طرز شگفت‌انگیزی مؤثر هست. هدف پژوهش: هدف از انجام این پژوهش شناخت و درک بهتر از نسب نامه شخص سید جلال‌الدین اشرف^(ع) و سیر زندگانی و عملکرد ایشان و ایفای نقش فرهنگی‌شان در منطقه است تا موجب آشنایی بهتر و درک صحیح‌تر از امامزادگان واجب‌التعظیم و عظیم‌القدر به فرمایش مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) باشد. روش پژوهش: روش انجام این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از تمام منابع سلامی موجود شامل منابع روایی، انساب‌نگاری، تاریخی و ... است. بدین نحو که ابتدا اطلاعات مرتبط با موضوع از منابع استخراج گردید و سپس با دسته‌بندی و تحلیل منطقی به رشته نگارش درآمده است.

پیشینه پژوهش: گفتنی است با توجه به جست و جو در پایگاه‌های اطلاعاتی موجود در اینترنت نظیر (نورمگز، کتابخانه ملی، اداره اوقاف و امور خیریه و ...) اطلاعات زیر بدست آمد. بنابراین در زمینه زندگانی سید جلال‌الدین اشرف آثاری یافت شد. ادهم نژاد (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی مختصری از نسب و شرح فعالیت های سیدجلال الدین در منطقه گیلان پرداخت و با مروری بر نوشته های یافت شده به این نتیجه رسید که این بقعه متعلق به شخص ابراهیم بن موسی ملقب به سیدجلال الدین اشرف بردار امام رضا^(ع) و فرزند امام موسی کاظم^(ع) است.

غلامی کفترودی (۱۳۷۶) در دو اثر کتابی خویش به نامهای «جنگ نامه سید جلال‌الدین اشرف» و «نهضت انقلاب سید جلال‌الدین اشرف» به بررسی فعالیت های جنگی و سیاسی سیدجلال الدین اشرف پرداخت و به این نتیجه رسید که ایشان فرزند بلافضل امام موسی کاظم^(ع) و برادر امام رضا^(ع) است که به منطقه کوچان مهاجرت کرده و در پی مبارزه با ظلم و ستم حاکمان محلی و حکومت های اموی و عباسی بوده و برای دفاع از حقوق مظلومان در پی احقاق حق به مبارزه علیه ظالمان منطقه گیلان برخاست و لذا شرح جنگ های وی را بیان کرده است.

بایرام نژاد (بی تا) در کتاب بقاع متبرکه ایران به بررسی امامزاده های ایران پرداخت و در این میان در بخش امامزاده های گیلان به بررسی مختصر امامزاده سیدجلال الدین اشرف از حیث نوع بنا و منطقه توضیحاتی ارائه داده است و نجاری سهل آبادی (۱۳۹۰) در کتاب امامزادگان ایران و بقاع متبرکه همانند کار آقای بایرام نژاد به معرفی مختصر و کوتاه از شرح زندگانی سیدجلال الدین اشرف و نوع بنا و محل دفن پرداخته است.

بنابراین باتوجه به آثار بدست آمده، اثری جامع، متقن و مستند یافت نشده که بطور همه جانبه به شخصیت

سیدجلال الدین اشرف پرداخته باشد. بنابراین با این توصیف، ضرورت شناخت سید جلال‌الدین اشرف احساس شده که این امر، مستلزم انجام یک پژوهش علمی و مستند براساس منابع و مأخذ مستند، علمی و معتبر تاریخی، روایی و ... است که سعی بر انجام آن در این پژوهش می‌باشد.

۱: بررسی اقوال مربوط به نسب سید جلال‌الدین اشرف

اولین گام در بررسی سیر زندگانی یک شخصیت مطرح و بزرگ، شناخت سلسله نسب فرد است. لذا در اولین گام برای شناسایی نسب سید جلال‌الدین اشرف^(ع) پس از کندوکاو در منابع نسب‌شناسی و متون تاریخی و روایی مشخص گردید که درباره نسب سید جلال‌الدین اشرف دیدگاه‌های متعددی وجود دارد؛ بنابراین به‌منظور تبیین هر چه بیشتر و جمع‌بندی نهایی در این زمینه، به بررسی این دیدگاه‌ها در حدّ توان می‌پردازیم:

۱-۱. نظریه اول: سید جلال‌الدین اشرف فرزند امام موسی کاظم^(ع)

سید جلال‌الدین اشرف بنا به روایتی فرزند امام موسی کاظم^(ع) بوده که در سال ۱۸۰ ق در مدینه منوره چشم به جهان گشود (غلامی کفترودی، ۱۳۷۶: ۱۹۵). پدر بزرگوارش حضرت موسی کاظم^(ع) و مادر پاک‌دامن و والامقامش نجمه است که ظاهراً کوچک‌ترین فرزند از میان فرزندان امام هفتم به شمار رفته و به نقل منوچهر ستوده امام رضا^(ع)، بی‌بی هیبت، فاطمه معصومه و سید جلال‌الدین اشرف از یک مادر بوده‌اند (غلامی کفترودی، ۱۳۷۶: ۱۴۴ و ۱۴۵).

همچنین در نام مبارک آن حضرت نیز، اختلاف است تا جایی که برخی او را «حسن بن موسی» و برخی دیگر، «ابراهیم اصغر» معروف به «مرتضی»، نامیده‌اند که در هر صورت وی را، برادر اعیانی امام رضا علیه‌السلام معرفی نموده‌اند (افشار، ۱۳۷۸: ۵۶؛ عرفان منش، ۱۳۹۱: ۶۹۹؛ سرتیپ پور، ۱۳۷۱: ۱۰۲؛ جهانی، ۱۳۸۶: ۲۰). در تأیید اینکه این بزرگوار از فرزندان امام موسی کاظم^(ع) می‌باشند؛ شیخ محمد مهدوی لاهیجانی مؤلف کتاب «سادات متقدمه گیلان» می‌نویسد:

«نام سید جلال‌الدین اشرف، ابراهیم المرتضی اصغر ملقب به جلال‌الدین است. او برادر اعیانی حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) است و برادر اعیانی یعنی برادر پدری و مادری امام هشتم^(ع) می‌باشند» (مهدوی لاهیجانی، بی‌تا: ۲۳۹؛ شجاع شفیعی، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

بنابراین طبق سخنان برخی مورخان و محققان، وی فرزند امام موسی کاظم^(ع) و برادر امام رضا^(ع) به شمار می‌رود؛ درحالی‌که یکی از نویسندگان معاصر پس از چند سال بررسی و تحقیق در میان متون اسلامی، در کتابش چنین اولادی را برای امام کاظم^(ع) در کتب تاریخ و انساب پیدا نکرده و ابراهیم فرزند امام را مدفون

در بغداد دانسته که حتی به ایران وارد نشده است (زاهدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۸).

۲-۱. نظریه دوم: سید جلال‌الدین اشرف از نوادگان امام موسی کاظم^(ع)

در ادامه برخی از محققان، وی را از نوادگان امام کاظم^(ع) شمرده‌اند؛ لذا سید محمد بن احمد حسینی نجفی در کتاب بحر‌الأنساب خود درباره وی می‌نویسد:

«سید جلال‌الدین از نوادگان امام موسی کاظم^(ع) و از اولاد ابراهیم المرتضی بن موسی^(ع) در قرن چهارم هجری است که از جمله کریمان و سخاوتمندان عصر خویش بوده و به دلیل رفتار شایسته خود مورد توجه خواص و عوام قرار گرفته تا جایی که به دستور خلیفه عباسی، نقابت سادات حله عراق را برعهده داشته و پس از مدتی به منظور دفاع از حقوق مظلومان، ظلم والیان ستمگر و حکومت‌های ظالم محلی، وارد شمال ایران، منطقه لاهیجان گردید و پس از سلسله مبارزاتی که در جهت برقراری عدل و انصاف در بین مردم با حاکمان محلی انجام داد؛ در همان منطقه شهید و مدفون گردید» (حسینی نجفی، ۱۴۱۹ق: ۶۱؛ زنده‌دل، ۱۳۹۰: ۴۰؛ شجاع شفیعی، ۱۳۷۷: ۱۱۸).

بنابر این نقل قول، وی را از نوادگان امام کاظم^(ع) به شمار آورده‌اند.

۳-۱. نظریه سوم: سید اشرف حسینی مشهور به سید جلال‌الدین از نوادگان امام سجاد^(ع)

در نظریه سوم، برخی دیگر از تاریخ‌نویسان، سید جلال‌الدین اشرف را فرزند یا نواده امام کاظم^(ع) به حساب نیاورده‌اند، بلکه وی را از سادات حسینی و از نسل امام سجاد^(ع) به شمار آورده‌اند که در پی احقاق حق و مبارزه با ظلم حاکمان منطقه در منطقه امروزی آستانه اشرفیه به دفاع از حقیقت پرداخته و در این راه به شهادت رسیده است.

در این باره، ملاشیخ علی گیلانی مؤلف تاریخ مازندران در قرن یازدهم هجری، در وقایع مربوط به حاکمیت دوران دوم آل‌باوند معتقد است:

«شاه غازی، رستم بن علاء الدوله پس از وفات پدرش بر تخت نشست که در عهد حکومت وی مابین سال‌های ۵۳۷-۵۵۸ ق، سید اشرف حسینی از طرف سمرقند به مازندران و از آنجا به گیلان آمد و به مبارزه با ظالمان منطقه پرداخت که بی‌گمان وی شخص بزرگی بوده که از وی نام‌برده شده است» (شجاع شفیعی، ۱۳۷۷: ۱۱۸ و ۱۱۹).

بنابراین نقل سید جلال‌الدین، از نسل امام سجاد^(ع) و از سادات حسینی است.

۴-۱. نظریه چهارم: سید اشرف حسینی از نوادگان امام حسن^(ع)

نظریه چهارم به دنبال آن است که امام کاظم^(ع) فرزندی به نام ابراهیم المرتضی ملقب به سید جلال‌الدین یا اشرف نداشته و تمام علمای انساب و مورخان بر این امر اتفاق نظر دارند. همچنین وی از احفاد سادات

حسینی نیز نبوده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد پس از تشکیل اولین دولت علوی در طبرستان و مهاجرت تعداد زیادی از امامزادگان و سادات از نسل امام حسن (ع) در محدوده قرن سوم تا ششم هجری، مدفون در این مکان یکی از احفاد امام حسن (ع) باشد.

در این زمینه، ویلفرد مادلونگ در کتابش گزارشی ثبت کرده که شرح آن به واقعیت امر نزدیک می‌نماید. وی می‌نویسد:

«در ابتدای قرن پنجم هجری، سیدی شجاع و از نسل امام حسن (ع)، عالم و فقیهی مبارز، به جنگ مسلحانه با فرقه اسماعیلیه که در آن زمان در گیلان تعدادشان بسیار و ناشر عقاید اسماعیلی بوده‌اند، برخاست. این فرد نامش، «اشرف بن زید حسنی» بود که توانست در مدت کوتاهی مناطق وسیعی از گیلان را از سلطه این فرقه آزاد ساخته تا اینکه سرانجام در سال ۵۴۴ ق یا ۵۵۴ ق در کوچان (کجاین) نام قدیم منطقه آستانه اشرفیه امروزی وفات یافت و در همان‌جا مدفون گردید» (مادلونگ، ۱۹۸۷ م: ۱۵۸؛ عرفان منش، ۱۳۹۱: ۶۹۹؛ غلامی کفترودی، ۱۳۸۷: ۳۰).

بنابراین با توجه به این گزارش، می‌توان بیان کرد که به احتمال زیاد، سید جلال‌الدین اشرف از نوادگان امام حسن (ع) بوده که به دلیل مبارزات مسلحانه‌اش با فرقه افراطی اسماعیلیه نزاری و بیرون راندنشان، احیای دین جدش و نیز ویژگی اقدام مسلحانه‌اش علیه ظلم و ستم حاکمان محلی منطقه و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر در جهت برپایی حکومت اسلامی بر اساس معیارهای فرقه زیدیه که از صفات بارز سادات بنی‌الحسن بوده (ولوی، ۱۳۸۰: ۲۳۷ و ۲۳۹)، ملقب به جلال‌الدین گردیده است.

در اینجا نکته‌ای قابل‌ذکر است و آن اینکه در زمان شاه‌عباس اول در سال ۱۰۰۰ ق که گیلان به تصرف دولت صفویه درآمد و مذهب اثنی‌عشری در این منطقه تثبیت گردید، اکثر قبور، سادات متقدم شیعه زیدی بودند که معتقد به مبارزه مسلحانه بودند و اکثر آنان در مناطق مختلف گیلان مدفون‌اند که در این میان تعدادی از علما، فقها و بزرگان مذاهب شافعی، حنبلی، حنفی، مالکی، شیعه اسماعیلی و حتی پیروان فرقه قادریه نیز وجود دارند. با قرار گرفتن سلطه صفویان بر گیلان این قبور از بین رفتند و یا اسم و نسب آنان را با مذهب شیعه اثنی‌عشری مطابقت دادند و در این میان، نسب‌ها و کتیبه‌ها و سنگ قبرها عوض شد و اکثر امامزادگان به واسطه منسوب بودن شاهان صفوی به امام هفتم، به امام کاظم (ع) منسوب شدند و حتی تعدادی از شیوخ و فقهای غیر شیعه نیز با دریافت القاب و انساب جعلی چون مقام پدری، برادری، خواهری یا پسرعمویی پیامبر (ص) و نیز برادر رضاعی و امثال آن مورد توجه قرار گرفتند که به عنوان مثال می‌توان به قبر ابوجعفر ثومی از فقهای حنفی اشاره کرد که به‌عنوان قبر پسرعموی پیامبر (ص) و برادر رضاعی امام سوم در سال ۱۰۰۹ ق در رشت بازسازی شد (غلامی کفترودی، ۱۳۸۷: ۴۴ و ۵۴). همچنین برای نخستین بار

عبدالفتاح فومنی در کتاب تاریخ گیلان خود از بقعه سید جلال‌الدین اشرف از بزرگان دین در نزدیکی لاهیجان نام برده که مردم جهت بست‌نشینی بدان جا روی می‌آوردند (فومنی گیلانی، ۱۳۴۹: ۱۰۳). با این توضیحات می‌توان گفت شخص مدفون در آستانه اشرفیه فرزند امام کاظم^(ع) یا نواده ایشان و یا از سادات حسینی نیست؛ بلکه به‌طور قطع به نظر می‌رسد که از احفاد امام حسن^(ع) باشد. همچنین این نکته مهم به نظر می‌رسد مضجع شریف بقاع امامزادگان بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) واجب‌التعظیم و عظیم‌المرتبه بوده که احترام بدان‌ها به سبب انتساب به خاندان پیامبر^(ص) امری مهم است؛ زیرا اینان به‌عنوان اولاد رسول خدا^(ص) و مظهر یکی از اولیای الهی بوده که در تمام فصول سال مکانی آرامش‌بخش برای شیعیان و محبان اهل‌بیت^(ع) است و به دلیل آشکار شدن کرامات اینان، مردم در آستان وی سر نهاده و عرض حاجت می‌نمایند.

۲. ورود سید جلال‌الدین اشرف به ایران

بنا به نظریه اول، انتساب سید جلال‌الدین اشرف به فرزندی امام موسی کاظم^(ع)، ایشان تحت سرپرستی برادرشان امام رضا^(ع) در مدینه بسر می‌بردند تا اینکه پس از به خلافت رسیدن مأمون، وی گروهی از فرزندان ابوطالب و در رأس آنان، امام علی بن موسی‌الرضا^(ع) را به خراسان فراخواند و ایشان نیز به همراه برادرها و برادرزادگان خویش به ایران وارد و هرکدام وارد منطقه‌ای شده تا اینکه پس از شهادت امام رضا^(ع)، دست به قیام علیه ظلم و ستم حکام مناطق مختلف جهت رهایی مردم و برپایی حق و عدالت زدند (اصفهانی، ۱۳۴۹: ۵۲۳ و ۵۳۶؛ سرتیپ پور، ۱۳۷۱: ۱۰۲؛ شجاع شفیعی، ۱۳۷۷: ۱۱۹؛ زاهدی، ۱۳۹۰: ۴۷). در این میان، سید جلال‌الدین اشرف از برادران امام^(ع) که در قم تحت نظر برادرش احمد بن موسی^(ع) بود (غلامی کفترودی، ۱۳۷۶: ۴۰) و یا به روایتی دیگر پس از مدتی اقامت در یمن و سپس بغداد (شجاع شفیعی، ۱۳۷۷: ۱۱۹)، در سال ۲۰۶ یا ۲۱۰ ق، وارد ایران و زنجان و از آنجا به منطقه گیلان وارد شد.

۳: جنگ‌های سید جلال‌الدین اشرف و تشکیل حکومت توسط ایشان

سید جلال‌الدین اشرف پس از ورود به ایران و منطقه شمال، با دیدن ظلم و ستم و بی‌کفایتی حاکمان محلی و برپایی قسط و عدل دست به مبارزات مسلحانه زده و توانست در طی جنگ‌هایش برخی از مناطق را تصرف و مردم را با آیین اسلام آشنا و حکومت علوی برپا نماید؛ از جمله جنگ‌هایی که انجام دادند عبارت‌اند از:

۱. فتح زنجان در سال ۲۰۶ ق که اولین مقابله ایشان، در حوالی زنجان و قزوین که در آن عصر دارالمرز

بین اعراب مسلمان و دیلمیان بود، با خوارج و لشکریان خلفای عباسی رخ داد. گویا برخی از مأموران حکومتی، آن حضرت را شناسایی نموده و در صدد دستگیری وی برمی‌آیند که حضرت با تعدادی از یاران و همراهانش با آنان درگیر شده و این جنگ به مدت ۴ ماه به طول می‌انجامد. سرکردگی سپاه عباسی را در ناحیه زنجان و قزوین و طارم مردی به نام «بابا ملحد» به عهده داشت. حضرت به کمک قبایل دیلمی و مردان ترک موفق گردید زنجان را در ذی الحجه سال ۲۰۶ ق. فتح نماید. در این نبرد قیس فرزند باباملحد به دست سید جلال‌الدین کشته شد.

۲. فتح طارم و حوالی آن؛ در این مناطق عده‌ای از مسیحیان به دست آن بزرگوار مسلمان گردیدند که تعداد آنان را تا ۱۲۰۰ نفر نوشته‌اند. پیوستن آنان به لشکر سید، در پاک‌سازی بقایای خوارج که در آن مناطق بودند تأثیر شگفتی داشته است (سرتیپ پور، ۱۳۷۱: ۱۰۲).

۳. فتح رودبار (کوهدم) در سال ۲۰۶ ق.

۴. فتح رشت در سال ۲۰۷ ق که وی، باشکوه و عظمت تمام وارد شهر رشت شد و مردم کوچه و بازار به استقبال او شتافتند و مقدم او را گرامی داشتند.

۵. فتح لاهیجان و سیاهکل (برفجان) در سال ۲۰۸ ق.

۶. فتح شهرها و آبادی‌های غرب گیلان در سال ۲۱۰ ق.

مناطق غربی گیلان که تحت تأثیر و نفوذ حکومت نعمان بن نوفل از نوادگان شمر بن ذی الجوشن بود در یک نبرد تمام عیار در دو مرحله توسط سید اشرف فتح گردید نعمان متواری شد و بنا به گفته مورخان به شهر (شهران) مازندران گریخت و در آنجا اقامت گزید.

۷. فتح شهران (شهری در حوالی بابل مازندران) در سال ۲۱۱ ق.

سید بعد از فتح نواحی مرکزی و غربی گیلان به مقر حکومتی خود یعنی لاهیجان بازگشت و در این هنگام به او گزارش دادند که نعمان بن نوفل بعد از فرار به مازندران به کمک برخی از امرای آن سامان همانند منصور بن عبدود به تجدید قوا پرداخته و برای سرکوبی نهضت سید، به سوی گیلان در حرکت هستند. آنان وقتی به کجور (شهری حوالی نور و نوشهر) رسیدند، سپاه سید جلال‌الدین اشرف را در مقابل خود دیده و بعد از رد و بدل کردن پیام‌هایی مبنی بر تسلیم شدن آنان، سرانجام جنگ سختی درگرفت. در این جنگ ۱۸۵ نفر از لشکریان حضرت جلال‌الدین شهید و هزاران نفر از لشکر دشمن به هلاکت رسیده یا به اسارت درآمدند و سرانجام حضرت موفق به فتح این شهر (شهران) گردید. نعمان فرار کرده و در حدود سال ۲۱۲ ق در مازندران به دست مازیار دستگیر و به بغداد فرستاده شد و در آنجا به دستور مأمون به قتل رسید. پس از انجام فتوحات و گرفتن سرزمین‌ها، سید جلال‌الدین با جماعتی از سادات حسنی و حسینی به گیلان

وارد و در لاهیجان بر مسند رهبری تکیه زد و اموری را به برادرش امیر شمس‌الدین واگذار کرده و خود نیز، غالباً با سرداران و یارانش به سر می‌برد. سپس نواحی فتح‌شده توسط حضرت میان سردارانش تقسیم شد و هریک را برای حکمرانی به منطقه‌ای فرستاد. این سرداران که به‌عنوان والی و نماینده حضرت به قسمت‌های مختلف گیلان فرستاده شدند، عبارت‌اند از: سید هاشم در دیلمان، حسن بیک در طارم و نواحی زنجان، امیر سلطان در رشت، سید محمد در سیاهکل (برفجان)، سید حمزه در کوهدم (رودبار) عبدالرحمن اژدر در هوسم (رودسر) امیر سید شمس‌الدین به‌عنوان جانشین حضرت در لاهیجان که هم‌اکنون قبر این بزرگوار زیارتگاه مشهوری است. شخص سید جلال‌الدین نیز، در لاهیجان نماز جمعه را اقامه کرد و به ترویج شعائر اسلامی پرداخت و در خطابه‌ها از احادیث پدر و اجدادش، روایاتی نقل می‌کرد و بدین گونه اولین حکومت اسلامی را در منطقه گیلان، تشکیل داد و خود به‌عنوان رهبری روحانی و معنوی از نزدیک ناظر امور حکومتی بود. در حقیقت، نخستین حکومت شیعی در سال ۲۱۱ ق در گیلان تشکیل شد و تا سال ۲۲۳ و یا به قول دیگر ۲۳۰ ق. تداوم یافت. هرچند حضرت جنگ‌هایی در این مناطق با برخی از مخالفان محلی داشته است (غلامی کفترودی، ۱۳۷۶: ۴۴-۱۲۸).

۴: آخرین نبرد سید جلال‌الدین اشرف و شهادت ایشان

حضرت سید جلال‌الدین مدتی را به حکومت در منطقه گیلان گذراند تا اینکه توسط سرداران خود باخبر شد که مخالفان و دشمنان وی به سرکردگی مردی به نام چهل گوش عموی نعمان بن نوفل در مرزهای بین دیلمیان و اعراب در حوالی قزوین دست به شورش علیه او زده‌اند و قصد نفوذ به قلمرو حکومت سید را دارند. حضرت ابتدا او را دعوت به اسلام علوی کرد؛ ولی چهل گوش پاسخ مناسبی نداد و حضرت، با لشکری انبوه رهسپار گردید تا اینکه در حوالی رودبار بنام «دارستان» طی نبردی خونین و جنگی سهمگین، لشکر حضرت شکست خورد و حضرت بدنش نیز مجروح گردید. وی در منزل شیخ مفیدالدین که پیرمردی نود و چند ساله بود فرود آمد. حضرت وضو گرفت؛ اما خون به شدت از بدن مبارکش جاری بود. شیخ مفیدالدین نقل می‌کند که حضرت صد و چهارده زخم بر پیکر مبارکش دیده می‌شد؛ اما به آن زخمی که «چهل گوش» بر پهلویش زده بود شهید شد. بنا به نقل مشهور حضرت سید جلال‌الدین اشرف در ۱۴ رمضان سال ۲۲۳ یا ۲۳۰ ق به شهادت رسید. شیخ مفیدالدین که مردی پارسا بود طبق وصیت پیکر مبارک حضرت را غسل داده و آن را در تابوت گذارده و به کمک اهالی تا کنار رودخانه سفید رود تشیع و آنگاه تابوت را در آب سفید رود رها کرد. پیکر پاک ایشان، بعد از گذشت حدود ۱۰۰ کیلومتر در حوالی لاهیجان به ساحل رسید و توسط عده‌ای از مردم از آب گرفته و در منطقه کوچان (آستانه اشرفیه امروزی) به خاک

سپرده شد (غلامی کفترودی، ۱۳۷۶: ۴۳-۱۲۹؛ رابینو، ۱۳۸۶: ۳۷۲ و ۳۷۳؛ افشار، ۱۳۷۸: ۵۶).

۵: محل دفن سید جلال‌الدین اشرف

مرقد مطهر سید جلال‌الدین اشرف در آستانه اشرفیه میعادگاه عاشقان و دوستداران اهل بیت^(ع) است. این شهر در ۳۴ کیلومتری رشت مرکز استان گیلان و در کناره شرقی سفیدرود است (عرفان منش، ۱۳۹۱: ۶۹۸؛ جهانی، ۱۳۸۶: ۲۰؛ زنده دل، ۱۳۹۰: ۱۳۹) که بر تارک شمال ایران قرار دارد. شهر آستانه اشرفیه در مجاورت روستای کوچان قرار داشته (سرتیپ پور، ۱۳۷۱: ۱۰۲) و از قدیم به کجان، کچان، کوچان، پيله آستانه، آسونه و آستانه خوانده می‌شده که ممکن است یکی از دلایل آن نزدیکی به کوچصفهان باشد که یادآور کوچ مردم به این ناحیه باشد (افشار، ۱۳۷۸: ۵۶؛ زنده دل، ۱۳۹۰: ۴۰). همچنین باید گفت این ناحیه را ظهیرالدین، پلته آستانه (plata astana) نامیده شده که شاید اشتقاقی از دو کلمه پيله و آستانه باشد. این شهر به حرمت بقعه سید جلال‌الدین در شمال ایران اهمیت یافته و به صورت شهری مذهبی درآمد است (رابینو، ۱۳۸۶: ۳۷۲). کلمه آستانه به معنای خوابگاه و آرامگاه است که اشاره‌ای به مدفن اولیای الهی در این منطقه دارد (سرتیپ پور، ۱۳۷۱: ۱۰۲).

۶: بنای ساختمان و مشخصات آن

از اماکن مذهبی مهم در شمال ایران، بقعه سید جلال‌الدین اشرف است که مطابق شجره موجود در حرم، آقا سید حسین یا آقا سید ابراهیم معروف به سلطان سید جلال‌الدین اشرف پسر امام موسی کاظم و برادر امام رضا^(ع) است. بنای اولیه امامزاده در سال ۳۱۱ ق/ ۹۲۳ م به دستور گوهرشاد خانم دختر کیارستم بن مرزبان دایی فخرالدوله بویه از فرمانروایان گیلان ساخته شده و این نکته بر علمی بالای گنبد قدیمی بقعه ثبت بوده است. مکنزی، ملگونوف و میرزا ابراهیم در سفرنامه‌های خود از این بقعه یاد کرده‌اند. بقعه بارها دستخوش طغیان آب سفیدرود شده است؛ اما در سال ۱۳۵۶ ش مغازه‌های اطراف حرم خریداری و تخریب شد و بنائی وسیع و مجلل برپا گردید. نمای داخلی و خارجی آن با سنگ مرمر و کاشی‌های جدید تزئین یافته است. این بقعه اینک دارای رواق‌های متعدد، سقف‌های آینه‌کاری شده و گنبدی بزرگ با کاشی‌کاری‌های ظریف است. روی پایه‌ای از سنگ مرمر گران‌بها که در وسط حرم قرار دارد ضریح فلزی مشبک باقرقره و گوی مطلا کار گذاشته شده است. ضریح به ابعاد ۳/۳۵ متر طول و ۲/۲۵ متر عرض و ۲/۲۰ متر ارتفاع است. همچنین تأسیسات جانبی بقعه شامل زائرسرا، کتابخانه (تأسیس ۱۳۳۶)، مسجد، حسینیه و سرباداری است. (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۵۷۱/۱؛ جهانی، ۱۳۸۶: ۲۰؛ زنده دل، ۱۳۹۰: ۱۳۹؛ شجاع شفیعی،

۷: فضائل و مناقب سید جلال‌الدین اشرف

اکثر قریب به اتفاق امامزادگان از جمله فرزندان حضرت موسی بن جعفر^(ع) دارای فضائل مشهودی هستند و باتربیتی الهی و اصیل و اطاعت از خدای متعال خود را به کمال رسانیده‌اند. در فضیلت و بزرگواری فرزندان امام موسی کاظم^(ع) این‌گونه آمده است: «لکل واحد من ولد موسی^(ع) فضل و منقبه مشهوره: برای هر کدام از فرزندان (پسر و دختر) امام موسی کاظم^(ع) فضائل و مناقب مشهوری است» (جزائری، ۱۴۲۷ ق: ۳۳۳/۲). حضرت سیدجلال‌الدین اشرف به عنوان یکی از فرزندان و منسوبان به حضرت امام موسی کاظم^(ع) و جزء سادات والامقامی است که متون موجود و نوشته‌های مؤلفان دلالت بر این امر دارد؛ چراکه ایشان در بهترین خانواده رشد و نمو کرده، تربیت‌یافته و با حضور در خانه امامت و همراهی برترین انسان‌ها به فضائل بی‌شماری دست‌یافته است. از این‌رو، با توجه به کمبود منابع اصیل و دسته اول در باب زندگانی این سید بزرگوار و با تکیه بر پژوهش‌ها و یافته‌های جدید محققان به تعداد اندکی از فضائل و مناقب ایشان اشاره می‌شود:

۷-۱: ظهور انا اعطیناک الکوثر در خاندان پیامبر^(ص)

از مناقب این بزرگوار آن است که خداوند در سوره کوثر، وعده ازدیاد نسل رسالت و امامت را داده و این امر، در فرزندان امام موسی کاظم^(ع) که حضرت رسول^(ص) خود، آن را بشارت داده و بیان کرده که از اهل بیت من فرزندان به دنیا آمده که چراغ هدایت و طریق سعادت دنیوی و اخروی مردم هستند. در این زمینه شیخ مفید در کتابش به فرزندان امام موسی^(ع) لطفی ویژه داشته است؛ ایشان، صداقت، شخصیت و فضیلت همه فرزندان امام موسی کاظم^(ع) را با عباراتی که همه از نظر الفاظ به هم شبیه هستند و از نظر معنی هم یک مضمون دارد را این‌گونه بیان کرده‌اند: «إِنَّ لَکُلِّ وَاحِدٍ مِنْ وَلَدِ ابْنِ الْحَسَنِ مُوسَى^(ع) فَضْلاً وَ مِنْقَبَةً مَشْهُورَةً» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲۴۶/۲؛ جزائری، ۱۴۲۷ ق، ۳۳۳/۲)؛ و نیز، پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «من زار ذریتهما کأنما زارهما: کسی که زیارت کند فرزندان امام حسن و حسین^(ع) را، مانند آن است که خود ایشان را زیارت کرده است.» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ۱۰/۱۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۵۸/۴۳)

طبری به اسناد خود از شبیه بن نعامه از فاطمه صغری بنت الحسین از فاطمه زهرا^(ص) روایت کرده که گفت: «قال النبی^(ص): لکل نبی عصبه ینتمون و این فاطمه عصبتی الّتی تنتمی الّی: هر پیامبری را دنباله‌ای است (رگ و ریشه دارد) که از آن نشأت گرفته و فاطمه رگ و ریشه من است که به من منسوب است.» (طبری

آملی، ۱۴۱۳ ق: ۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۰۴/۲۳)

بنابراین سخنان، وجود مبارک سید جلال‌الدین اشرف به‌عنوان یک مبارز علیه ظلم و ستم و تجلی بندگی الهی، از مصادیق بارز کوثر است که خدا و پیامبرش (ص) پیش از این بدان وعده داده بودند (زاهدی، ۱۳۹۰: ۴۹).

۲-۷: مبارزه علیه ظلم و ستم حاکمان جهت برپایی حق و عدالت

مبارزه علیه ظلم و ستم حاکمان و والیان حکومتی در جهت ابطال زشتی‌ها و برپایی حق و حقیقت، قسط و عدالت که ضامن خوشبختی انسان‌هاست، از مهم‌ترین اقدامات خاندان اهل‌بیت (ع) است که می‌تواند مبارزات ایشان را به‌عنوان یکی از فضائل خوب ایشان به‌حساب آورد.

سید جلال‌الدین اشرف از وابستگان منسوب به خاندان پیامبر اکرم (ص) است که پس از ورود به منطقه گیلان به مبارزه علنی و مسلحانه علیه ظلم و بیداد حاکمان محلی منطقه چون نعمان بن نوفل، بابا ملحد، خوارج و چهل گوش عمومی نعمان پرداخت که به‌عنوان مبارزه منفی بر علیه حکومت جور در جهت برپایی عدل و انصاف میان مردم انجام گرفت (ولوی، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

۳-۷: سید جلال‌الدین اشرف و نهضت بقای حسینی

یکی دیگر از فضائل امامزادگان در حفظ و بقای نهضت امام حسین (ع) است. در حقیقت، لازم است عنایت شود که رسالت امامزادگان در نشر مآثر دوده طاهای و آثار نسل یاسین بود و در این سفارت کامیاب شدند. البته سهم اساسی و ریشه‌ای گسترش معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) در ایران زمین برای ذات مقدس ثامن‌الحجج علی بن موسی‌الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) است که با مقدم ایشان حوزه علمیه از حجاز و عراق به ایران منتقل شد و تلامیذ ایرانی و غیر ایرانی آن حضرت (علیه‌السلام) عهده‌دار گسترش تعالیم تفسیری، کلامی، فقهی، حقوقی، اخلاقی و... بودند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۲) درباره سید جلال‌الدین اشرف نیز باید گفت مرقد و حرم این بزرگوار هرساله در ایام سوگواری امام حسین (ع) مأمون بسیاری از عاشقان و مسلمانان است که از استان گیلان و سایر استان‌های ایران به این حرم می‌آیند و اظهار عشق و بندگی نسبت به امام حسین (ع) می‌نمایند. لذا می‌توان یکی دیگر از فضائل ایشان را بقای نهضت حسینی برشمرد.

نتیجه گیری

وجود امامزادگان عظیم الشان منشأ خیرات و برکات بسیاری برای مردم و به ویژه شیعیان و مشتاقان خاندان اهل بیت^(ع) است. از این رو با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بر آن شدیم تا به مقتضای منابع پژوهشی و شرایط زمانی و مکانی، به بررسی سیر زندگانی و اقدامات و فضائل سید جلال الدین اشرف از وابستگان به خاندان اهل بیت^(ع) پرداختیم. با توجه به منابع و تحقیقات موجود، مشخص گردید که در باب انتساب سید جلال الدین اشرف به خاندان اهل بیت^(ع) چهار نظریه وجود دارد:

۱- فرزند امام موسی کاظم^(ع)

۲- نواده امام موسی کاظم^(ع)

۳- از نسل سادات حسینی

۴- از نسل سادات حسنی

پس از بررسی شواهد به دست آمده مشخص گردید که سید جلال الدین اشرف به طور قطع از سادات بنی الحسن بوده که در طی قرن چهارم و پنجم وارد منطقه گیلان شده و در جهت احقاق حق و برپایی عدالت و مبارزه علیه حکام ظالم منطقه و تشکیل حکومت در منطقه گیلان اقدام نموده و توانست بذر مسلمانی را در منطقه شرق گیلان بپراکند و پس از شهادتش، قبر ایشان توسط دخترمرزبان بن رستم از خاندان آل بویه، در قرن چهارم بازسازی گردید و بعدها تکمیل گردید تا اینکه ملجأ درماندگان و محلی برای عرض حاجت شیعیان گردید. از فضائل و مناقب ایشان با توجه به کمبود منابع تاریخی مستند می توان به این سه مورد اشاره داشت که ایشان مصداق نسل پربرکت پیامبر اکرم^(ص) بوده و وجودشان در شهر آستانه اشرفیه موجب بقای نهضت حسینی است و دیگر آنکه بر علیه حکومت ظالمانه حاکمان منطقه در جهت برپایی قسط و عدالت دست به قیام زده و توانست هر چند مدت کوتاهی در شرق گیلان حکومت اسلامی تشکیل دهد.

منابع

- ادهم نژاد، محمدتقی. (۱۳۸۵). «سید جلال الدین اشرف؛ برادر امام». تهران: مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۷

- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۳۴۹). مقاتل الطالبیین. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: نشر صدوق.

- اصلاح عربانی، ابراهیم. (۱۳۷۴). کتاب گیلان. تهران: نشر گروه پژوهشگران ایران.

- افشار، ایرج. (۱۳۷۸). پژوهش در نام شهرهای ایران. تهران: نشر روزنه.

- بایرام نژاد، حسین علی. (بی تا). بقاع متبرکه ایران. تهران: نشر نظری.
- جزائری، نعمت الله. (۱۴۲۷ ق). ریاض الأبرار. بیروت: نشر مؤسسه تاریخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. قم: نشر اسراء.
- حسینی نجفی، سیدمحمد بن احمدبن عمیدالدین. (۱۴۱۹ ق). بحرالأنساب المسمى بالمشجرالکشاب لإصول الساده الأشراف. مدینه: نشر دارالمجتبی.
- جهانی، ولی. (۱۳۸۶). جاذبه های تاریخی گیلان. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- خلعتبری لیمائی، مصطفی. (۱۳۹۲). بقاع متبرکه و امامزاده های غرب مازندران. تهران: فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۴، صص ۱۴۵-۱۵۷.
- رایینو، یاسنیت لوئی. (۱۳۸۶). ولایات دارالمرز ایران (گیلان). ترجمه جعفر خمایی زاده. رشت: نشر طاعتی.
- زاهدی، سیدیاسین. (۱۳۹۰). بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم (ع) و نقش آنها در تاریخ تشیع. قم: نشر مرکز بین المللی ترجمه و نشرالمصطفی (ص).
- زنده دل، حسن. (۱۳۹۰). راهنمای گردشگری ایران (استان گیلان). تهران: نشر ایرانگردان.
- سرتیپ پور، جهانگیر. (۱۳۷۱). نام ها و نامدارهای گیلان. رشت: نشر گیلکان.
- شجاع شفیعی، محمدمهدی. (۱۳۷۷). تاریخ هزارساله اسلام در نواحی شمالی ایران. تهران: نشر اشاره.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ ق). دلائل الإمامه. قم: نشر بعثت.
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۹۱). مهاجران موسوی. تهران: نشر امیرکبیر.
- غلامی کفترودی، قاسم. (۱۳۸۷). امام زاده های گیلان. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- (۱۳۷۶). تاریخ انقلاب سیدجلال الدین اشرف، رشت: نشر مؤلف.
- (۱۳۷۶). جنگ نامه سید جلال الدین اشرف، رشت: نشر مؤلف.
- فومنی گیلانی، عبدالفتاح. (۱۳۴۹). تاریخ گیلان. تحقیق منوچهر ستوده. تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- مادلونگ، ویلفرد. (۱۹۸۷ م). أخبار أئمه الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان. بیروت: دارالنشر فرانتس شتانییر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفه الله حجج العباد. تحقیق مؤسسه آل البيت (ع). قم: کنگره شیخ مفید.
- مهدوی لاهیجانی، محمدمهدی. (بی تا). سادات متقدمه گیلان یا بخشی از تاریخ عام گیلان. قم: بی نا.

- نجاری سهل آبادی، محمد. (۱۳۹۰). امامزادگان ایران و بقاع متبرکه. مشهد: نشر خاتم.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- ولوی، علی محمد. (۱۳۸۰). دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی. تهران: نشر دانشگاه الزهرا(س).